

ژورنالیست پاول کانروی کارمند MI6 است

برگرفته از تارنمای شبکه والتر، برگردان از متن انگلیسی: و. خورمن



پاول کانروی تحت نام فوتو ژورنالیست یا گزارشگر عکاس اخبار سندی تایمز، که اخیرا از امارت اسلامی با عمرو فرار کرد، کارمند MI6 میباشد. (سرویس مخفی استخبارات بریتانیا در امور بین المللی که بنام اس آی اس یاد میشود. تکیه بر ویکی پدیا. همتای همین سازمان جهنمی در پاکستان بنام آی اس آی شهرت دارد. م).

در عکس بالا، او در لیبیا (با واسکت آبی رنگ ضد گلوله) از سمت راست یکجا با رهبر القاعده الحراطی (جمپر سیاه ضد گلوله) و عبدالحکیم بالحاج (جمپر کماندویی) دیده میشود.

- مهدی الحراطی با یک خانم ایرلندی ازدواج نموده و در دوبلین بسر میبرد. پاول کانروی از اهالی شمال ایرلند است که در لیورپول بزرگ شده است.

بقول صدراعظم سابق اسپانیا هوزه ماریا ازنار، مهدی الحراطی هنوز هم در اسپانیا بخاطر شرکتش در انفجارات شهر مادرید در یازدهم مارچ سال ۲۰۰۴ مورد بازداشت قرار دارد.

مهدی الحراطی در سال ۲۰۱۰ با ریش مرتب و زیر پوشش یک سازمان غیر دولتی از جانب سازمان MI6 در قطار بحری بنام «قطار آزادی» که به نوار غزه امداد بشری میرساند، جابجا شد.

مهدی الحراطی در ماه آگست سال ۲۰۱۱ دسته های القاعده را در محاصره هتل ریکسوس در شهر طرابلس رهبری میکرد. بقول خمیص قذافی، او به همراهی افسران نظامی فرانسوی دیده میشد. از

قول یک منبع بلند رتبه نظامی خارجی، ناتو به الحرافی ماموریت دستگیری رهبران لیبیایی که در زیرزمینی مخفی هتل خزیده بودند، همچنان قتل یک عضو سابق کانگرس آمریکا و دستیار مارتین لوتر کینگ بنام والتر فانترای که او نیز در همان هتل بود، را محول کرد. او همچنان دو تن از همکارهای شبکه والتر یعنی تیری میسان و مهدی داریوش ناظم روایا که در هتل رادپسن، آن جای که الحرافی به مرکز شکنجه گاه خویش مبدل نموده بود، اقامت داشتند را نیز باید از بین میبرد. این تصمیم چند روز قبل طی یک دیدار پنهانی فرمان دهی ناتو در ناپل (ایتالیا. م) اتخاذ شده بود. در هنگام این دیدار حضور الن ژوپه برملا شد، ولی زمانیکه درین خصوص سوال مطرح شد، دستیار موصوف هر نوع شرکت وزیر خارجه فرانسه در آن دیدار را تکذیب کرد و اظهار داشت که او مشغول سپری نمودن مرخصی خویش است.

اکتوبر ۲۰۱۱ مهدی الحرافی در داخل خاک سوریه در میان کوه ها نزدیکی مرز ترکیه یک دهکده بی نمونه وی ایجاد کرد. بمدت دو ماه او مهماندار خبرنگاران غربی بود و برای آنها آهنگ توصیف «انقلاب» سوریه را می سرود. ساکنین دهکده را یک گروه قومی ای تشکیل میداد که برای راه اندازی تظاهرات و ظاهر شدن در مقابل مطبوعات پول دریافت مینمودند. پاول موریره از **کاتال پلوس** و ادیت بوویه از **لو فیگارو** بیدار خاص الحرافی شتافتند.

- عبدالحکیم بالحاج معاون دست راست ایمن الطواهیری است که در شرایط حاضر دومین شخص فرمانده القاعده میباشد. بهر حال او یک جانی ایست که در سراسر جهان بیشترین مورد تعقیب و بازداشت قرار دارد و ناتو نامبرده را فرمانده نظامی شهر طرابلس مقرر نمود.

عبدالحکیم بالحاج تابعیت قطر را دارد. درین اواخر او بار بار به ترکیه، که در محله اینچیرلیک در پایگاه ناتو برایش یک دفتر تخصیص داده شده و به سوریه جایی که او گروههای متعدد متشکل از ۱۵۰۰ تن شورشی را جمع آوری کرده، سفر نموده است. بقول ایمن الطواهیری، این افراد او بودند که مرتکب حمله به دمشق و الپو شدند.

سازمان وی یعنی دسته جنگاوران اسلامی در لیبیا با القاعده مدغم شدند، در حالیکه نام های شان کماکان درج لیست تروریست های مقامات دولتی ایالات متحده و دفتر داخلی بریتانیا میباشد.

کانروی در همکاری با تروریست های شناخته شده، در داخل حوزه قانونی هر دو کشور یعنی ایالات متحده و بریتانیا، به جرم شرکت و همکاری با سازمانهای تروریستی متهم است. او میتواند دست کم پانزده سال زندانی شود، البته اگر معافیت یک اجنت شاهی برایش داده نشود.

یادداشت مترجم:

خواننده عزیز با این گزارش ها متوجه میشود که دولت های فاسد کشورهای سرمایه داری توسط دستگاه های جهانی استخباراتی خویش زیر نام دموکراسی از کثیف ترین شیوه ها و وطن فروش ترین مهره ها و افراد بدنام و جنایت کار برای نیل به اهداف شان استفاده نموده و سرنوشت ملت ها و میلیون ها انسان روی زمین را به خاک و خون میکشانند. این دستگاه ها با حمایت بیدریغ و همه جانبه دولت های سرمایه داری، یعنی وال ستریت و سایر نهاد های تمویل کننده آن دولت ها با استفاده از پلید ترین شیوه های فریب مردم در تبنانی تنگاتنگ با مطبوعات که خود نهاد های دستکاری ذهنیت عامه اند برای تامین منفعت مثنی از مفت خواران جهانی شب و روز مشغول تخریب کاری اند و هر نوع جنبش و قیام کارگری و مردمی بر ضد استبداد و ثروتمندان را (مانند قیام های مردمی شمال آفریقا) مورد حمله قرار داده و به بدترین وجه سرکوب مینمایند.

نکته دیگر قابل تذکر عبارت از موجودیت یک اردوی اجبر در خدمت سرمایه است که در تبنانی با ناتو و اردوهای تجاوزگر کشور های توانمند برای تامین منافع آزمندانه آنها در مقابل زحمتکشان می ایستد و مانع پیکار آنها برای حقوق شان میشود. درین راستا توامیت، همکاری و هم آهنگی میان بخش های مختلف این گروه ها از جانب دولت ها با پول مالیه مردم تامین میشود، یعنی در حقیقت مردم خود تامین کننده مالی این گروه ها و نهاد های مخرب اند. لذا بطور غیر مستقیم مردم جوامع غرب نیز جمع وطن فروش ها و مذهبیون کشور های جهان سوم، در راس سرمایه دارهای این کشورها، در غارت همه دارایی های زحمتکشان جهان شریک اند.

در جوامع غربی (جوامعی که به صفت اکتور های اساسی تغییرات جهانی ظاهر شده اند و رهبری جهان را به عهده گرفته اند) نقش کر و کور کننده رسانه ها برای مردم تا اندازه یی عمیق است که بخش اعظم مردم نه تنها از پلیدی های دولت ها و ثروتمندان کوچکترین اطلاعی ندارند، بل به مداحان و توصیف گران بیشرم و بیمایه شخصیت، نحوه زنده گی و دارایی های توانمند ها تبدیل شده اند که حقوق خود شان را زیر پا میکنند، توهین و تحقیر میشوند، اما سرمایه دار ها با ایجاد ترس بر آنها با مشت آهنین حکومت میکنند. (خواننده عزیز شاید آگاهی داشته باشد که به تاریخ ۱۱ ماه مارچ سال روان ترسای در کشور سوئیس رفراندومی برای ازدیاد مرخصی ها از پنج به شش هفته در سال براه افتاد و اکثریت مردم بدست خود رای دادند که مرخصی بیشتر نمیخواهند. این نوع موضع گیری مردم عوام در برابر استثمار در کشور سوئیس و شاید کشورهای دیگر سرمایه داری سابقه دارد و از تطبیق سیاست ارباب و ترس در میان مردم خبر میدهد).

همین گزارش دست داشته را من به زبان انگلیسی به یک جوان سوئسی برای مطالعه دادم، گفت: «این همه دروغ کدام سازمان ضد دولتی است و یا گروهی از خبرنگارانی که بر ضد دموکراسی مینویسند». خوب اگر در سابق خبرنگار شوروی یا آلمان شرقی مضمونی را به نشر میسپرد و مردم جوامع غربی آنرا نمی پذیرفتند، میشد تعبیر کرد که آنها کمونیزم شوروی را نمی پسندند، اما اکنون در مجموع غیر از گزارش های نشرات رسمی که از جانب سرمایه تمویل میشود، به هیچ منبع دیگری باور ندارند. این مرض همه گیر است که باید برضد آن مبارزه صورت گیرد. اینجاست که نقش کار روشنگری برجسته میگردد.